

## The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding the Developments in Afghanistan; Subject of Study: the Re-Emergence of the Taliban

**Maedeh Davoodi**

PhD Student in International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
Maedadavoudi.1368@yahoo.com

**Davood Kiani\***

Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, DKiani@outlook.com

**Kayhan Barzegar**

Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
kbarzegar@hotmail.com

### Abstract

**Objective:** This article has been formed with the aim of identifying the reasons for revision in Iran's foreign policy regarding the developments in Afghanistan due to the re-emergence of the Taliban.

**Method:** According to the nature of the subject in order to answer the main and secondary questions in this research, analytical, historical and descriptive methods have been used. In the analytical-descriptive method, the researcher, in addition to revealing what is, describes and explains the whys and hows of the problem and its forms. The method and tools of data analysis are determined and reviewed based on its thematic nature.

**Results:** The findings of the article show that Iran's positions will be different according to the Taliban's approach. If the Taliban moves towards the distribution of power and includes other ethnic groups, especially the Shiites and Turkic-speaking people, in the structure of the government, considering that Iran ideologically has a lot in common with the Shiites and Hazaras of Afghanistan, and all these issues will benefit Iran. is, the Taliban's goal can be aligned with what the Islamic Republic of Iran is interested in. But if the Taliban's approach is based on the monopoly of power, considering that the ideology of this group is different from Iran and it seems that they are closer to Saudi Arabia that the relations between Iran and the Taliban will not be friendly.

**Conclusion:** The results of the research show that the Islamic Republic of Iran adopts a realistic approach regarding the Taliban in order to consolidate its position while pursuing revolutionary ideals in order to increase the security factor. and the survival of the Islamic Republic of Iran.

**Key words:** Foreign Policy, Iran, Taliban, Security, National Interests.

**Article Type:** Research

\* Received on 12 September, 2022 Accepted on 9 May, 2023

**Cite this article:** Davoodi, Kiani & Barzegar (2023) The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding the Developments in Afghanistan; Subject of Study: the Re-Emergence of the Taliban, Spring 2023, Vol.12,NO.1, 129-153.

**DOI:** 10.30479/psiw.2023.17844.3153

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Davood Kiani

**E-mail:** DKiani@outlook.com

## سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان؛ مورد مطالعه: ظهور مجدد طالبان

مانده داودی

دانشجو دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
Maedadavoudi.1368@yahoo.com

داود کیانی\*

دانشیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران  
DKiani@outlook.com

کیهان برزگر

دانشیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
kbarzegar@hotmail.com

### چکیده

**هدف:** این نوشتار، با هدف شناسایی علل تجدیدنظر در سیاست خارجی ایران نسبت به تحولات افغانستان، با توجه به ظهور مجدد طالبان شکل گرفته است.

**روش شناسی:** با توجه به ماهیت موضوع، در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی و فرعی در این پژوهش، از روش تحلیلی، تاریخی و توصیفی استفاده شده است. در روش تحلیلی - توصیفی که محقق علاوه بر آشکارسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین عوامل چرایی و چگونگی موضوع مسأله و اشکال آن می‌پردازد. روش و ابزار تحلیل داده‌ها بر اساس ماهیت موضوعی آن تعیین و بررسی می‌شود.

**یافته‌ها:** یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، مواضع ایران با توجه به رویکرد طالبان متفاوت خواهد بود. اگر طالبان به سمت توزیع قدرت حرکت کند و اقوام دیگر به‌ویژه شیعیان و مردم ترک‌زبان را در ساختار حکومت مشارکت دهد، با توجه به این که ایران از نظر ایدئولوژیک، با شیعیان و هزاره‌های افغانستان اشتراکات زیادی دارد و همه این مسائل به نفع ایران است، می‌تواند هدف طالبان با آنچه مورد علاقه جمهوری اسلامی ایران است هماهنگ شود؛ اما اگر رویکرد طالبان بر اساس انحصار قدرت باشد، با توجه به این که ایدئولوژی این گروه با ایران متفاوت است و به عربستان سعودی نزدیک‌تر هستند، به نظر می‌رسد که روابط ایران و طالبان دوستانه نخواهد بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم موقعیت خود، در عین حال که آرمان‌های انقلابی را دنبال می‌کند رویکرد واقع‌بینانه‌ایی در خصوص طالبان اتخاذ می‌کند تا به افزایش ضریب امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران بینجامد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، ایران، طالبان، امنیت، منافع ملی.

**نوع مقاله:** پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۶/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۲/۱۹  
استناد: داودی، کیانی و برزگر (۱۴۰۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان؛ مورد مطالعه:

ظهور مجدد طالبان، بهار ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۴۵: ۱۲۹-۱۵۳.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## ۱- مقدمه

قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان، با خروج نیروهای آمریکایی به دنبال تصرف کابل، پایتخت این کشور، رخ داد و منجر به ایجاد صحنه جدیدی در عرصه سیاست افغانستان و تغییر بازیگران داخلی و خارجی دخیل در این کشور گردید. در این میان، تحولات در افغانستان، با سیطره نفوذ طالبان بر افغانستان و تشکیل دولت توسط این گروه، به موضوعی نگران‌کننده برای کشورهای همسایه این کشور تبدیل شده است. این تحولات و رخدادها در افغانستان، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از بازیگران بین‌الملل به شگفت درآورد؛ عقب‌نشینی ناگهانی نیروهای غربی باقی‌مانده از افغانستان و تصاحب طالبان، منجر به کاهش خشونت جنگی در سراسر کشور گردید؛ اما به‌شدت میزان عدم اطمینان کلی را افزایش داد و باعث شد، جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با این تحولات، دچار برخی تناقض‌ها شود. از سوی دیگر، چون ابعاد تحولات برای جمهوری اسلامی ایران واضح و روشن نیست، به آنچه می‌گذرد، به دیده تهدید و تردید می‌نگرند و وجود دسیسه در تمامی تحولات را دور از ذهن نمی‌دانند. سیستم سیاسی حاکم بر ایران، به‌علت ساختار ایدئولوژیک آن، همواره بحران و تنش‌زا بوده است. به‌عبارت دیگر، این ساختار برای حفظ کارکرد و مشروعیت خود، همیشه نیاز به دشمن ایدئولوژیک دارد. در این جهت، یکی از مهم‌ترین اهدافی که طالبان می‌تواند برای ایران ایجاد کند، ناامنی و دشمنی در منطقه است. با این ملاحظه، جمهوری اسلامی ایران، یکی از بازیگران مهم و تأثیرگذار در تحولات افغانستان بوده است و علت این امر، آن است که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه شرق کشور، به نوعی با امنیت و ثبات در افغانستان گره خورده است. در سیر طولانی تاریخی که مرکزیت قدرت در ایران، بارها با تحول و جابه‌جایی روبه‌رو شده، افغانستان جایگاه خاص خود را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است. موضوعاتی همچون حضور نیروهای خارجی در افغانستان در دوره‌های مختلف، قاچاق مواد مخدر از طریق جمهوری اسلامی ایران، حضور مهاجران افغانی در ایران و درگیری‌ها و تنش‌های داخلی در افغانستان، موضوعات مطرحی هستند که تأثیراتی بر امنیت ملی و روابط دوجانبه دو کشور داشته است. جمهوری اسلامی ایران، برای رفع تهدیدات امنیتی خود، افغانستان را در حلقه محیط فوری امنیتی خود قرار داده است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۹). از آنجا که روند تحول دولت در افغانستان، طی سه دهه گذشته، بسیار متغیر بوده است؛ برخی از این دگرگونی‌ها در جهت منافع جمهوری اسلامی ایران و موفقیت سیاست خارجی آن بوده و برخی دیگر نیز در جهت مخالف منافع و امنیت ملی ایران بوده است و عمدتاً ناکامی‌هایی برای سیاست خارجی به وجود آورد (آقاجری، ۱۳۹۴: ۱۵). لذا این موجب گردید تا جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های خود را بر اساس امنیت ملی خود و جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در افغانستان و مخالفت با

سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا دنبال کند. از اینرو، جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تاکتیکی و با هدف مدیریت و دفع تهدید در سیاست خارجی خود با افغانستان پرداخته است.

این مقاله با هدف شناسایی علل تجدیدنظر در سیاست خارجی ایران نسبت به تحولات افغانستان، با توجه به ظهور مجدد طالبان شکل گرفته است. با عنایت به مراتب فوق، سؤال مقاله به این شکل ارائه خواهد شد که ایران چه سیاست و راهبردی در خصوص طالبان افغانستان اتخاذ نموده است؟ و این که خطرات امنیتی طالبان پس از تثبیت قدرت، برای ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟ در این خصوص، این فرضیه مطرح می‌شود؛ افزایش سیطره طالبان در کنار رشد افراط‌گرایی مذهبی به رهبری داعش و نیز آغاز گفت‌وگوهای سیاسی آمریکا با طالبان افغانستان، مهم‌ترین علل بازنگری در رویکرد سیاست خارجی ایران در خصوص تحولات افغانستان با توجه به ظهور مجدد طالبان می‌باشد. مقاله حاضر تلاش می‌کند، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به بیان متغیرهای پژوهش بپردازد. «افزایش سیطره طالبان در کنار رشد افراط‌گرایی مذهبی» به‌عنوان متغیر مستقل، «بازنگری ایران در رویکرد سیاست خارجی خود نسبت به تحولات افغانستان با ظهور مجدد طالبان»، به‌عنوان متغیر وابسته فرض می‌شود. از این جهت، با شناخت تحولات جدید افغانستان، به بررسی سیاست خارجی ایران در قبال طالبان افغانستان می‌پردازیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

عمده آثار و پژوهش انجام گرفته در حوزه موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان؛ مورد مطالعه: ظهور مجدد طالبان محدود است و به‌شکل محتوایی به‌صورت پراکنده و مجزا می‌باشد؛ اما مهم‌ترین تحقیقات انجام شده که می‌توانند ما را در انجام این پژوهش یاری دهند، به شرح زیر می‌باشند:

محمدعلی بهمنی قاجار (۱۳۸۶)، در کتاب «ایران و افغانستان، از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی»، بر این موضوع تأکید می‌کنند؛ ایران و افغانستان دو واحد سیاسی جهان معاصر، از دیرباز دارای سرزمینی یگانه با تاریخ و فرهنگی مشترک بوده‌اند. با توجه به یگانگی فرهنگی و تمدنی ایران و افغانستان و نیز عرصه پرتلاطم سیاسی جهان در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در ایران و افغانستان، بحران‌های سیاسی پدید می‌آید که مانعی برای نزدیکی ایران و افغانستان می‌گردند. به این موضوع در مقاله فلاح‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، با عنوان روابط ایران و افغانستان؛ همگرایی یا واگرایی نیز اشاره شده است. آن‌ها اظهار داشته‌اند؛ افغانستان همواره از ناحیه نیروهای فراملی و فروملی، با قدرت‌های بزرگ و ساختارهای قومی - قبیله‌ای تحت فشار بوده و نیروهای ملی و یا به اصطلاح سطح دولت ملی فرصت و مجال برای تشکیل و سازندگی نیافته است و بنابراین فضایی برای طرح همگرایی میان این کشور و همسایگان

آن از جمله ایران به وجود نیامده است. با این حال کمتر نویسنده‌ای به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان پرداخته است و این خلاء سبب نگارش این موضوع شده است.

### ۳- چهارچوب نظری؛ واقع‌گرایی تهاجمی

یکی از نظریاتی که می‌تواند سیاست خارجی ایران را در قبال طالبان افغانستان تبیین نماید، نظریه موازنه تهدید با رویکرد واقع‌گرایانه تهاجمی است. رئالیسم تهاجمی، نظریه‌ای برای حداکثرسازی قدرت دولت فرصت‌طلبانه است. گفته می‌شود که دولت‌ها همیشه به دنبال قدرت هستند تا بتوانند بر نظام بین‌الملل مسلط شوند و در شرایط هرج و مرج زنده بمانند. در این راستا، نظریه رئالیسم تهاجمی هم توصیفی است به این معنا که نشان می‌دهد، دولت‌ها در گذشته چگونه عمل کرده‌اند و هم تجویزی است که نشان می‌دهد، دولت‌ها چگونه باید سیاست خارجی را انجام دهند. آنچه باقی می‌ماند، آزمایش تجربی گزاره‌هایی است که رئالیسم تهاجمی از آن‌ها حمایت می‌کند (Valeriano, 2009: 180). تشریح و توضیح این تمایل اتوماتیک در سیاست خارجی کشورها، به سمت توازن قدرت، اساساً از طریق نحوه تقرب «واقع‌گرایانه» به روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است که به نوبه خود در چهارچوب تئوری‌های «سیاست قدرت» یا سیاست «معطوف به قدرت» بیان می‌گردد. انگاره اصلی این تئوری‌ها این است که کلیه تحرکات در حکومت دولت‌ها، با هدف افزایش قدرتشان و به منظور حفظ و افزایش منافعیشان انجام می‌شود. این مبارزه، برای قدرت در سطح بین‌المللی در چهارچوب سیستمی که ساخت هرج و مرج گونه دارد، صورت می‌گیرد (Bull, 1977: 11-12). در این خصوص، سیاست خارجی تهاجمی واقع‌گرا، بر این نظر است که نه تنها ماهیت سیاست بین‌الملل، بر اساس وجود درگیری تعریف می‌شود؛ بلکه به طور اساسی وجود درگیری، عنصر ضروری برای هدایت سیاست بین‌الملل است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). به اعتقاد نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تهاجمی، هدف همه دولت‌های تجدید نظرطلب، دسترسی به جایگاهی هژمونیک در نظام بین‌الملل است. بنابراین، این دسته از دولت‌ها، به شدت در پی کسب قدرت هستند و اگر شرایط مناسب باشد، خواستار آنند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند. از این رو، قدرت‌های بزرگ، سودای هژمون‌شدگی در منطقه خود را دارند و در عین حال، از هم‌ترازی و هژمون‌شدگی سایر قدرت‌های بزرگ در مناطق مربوطه‌شان جلوگیری می‌کنند (Mearsheimer, 2006). در این راستا کشورهایی که جاه‌طلبی‌های هژمونیک دارند، به نظر عقلانی می‌باشد. دولت‌هایی که به طور متناوب از انجام بازی قدرت بر اساس این قوانین ناتوان هستند، سرانجام از میان خواهند رفت؛ ولی نباید از نظر دور داشت که کشورهایی که در صحنه جنگل‌گونه بین‌المللی عمل می‌نمایند، همچون توپ‌های بیلیارد رها نیستند که تنها بر اساس شرایط و موقعیت خود، استراتژی و رفتار خود را انتخاب نمایند (سازنده، ۱۳۸۹: ۲۶۰). درنگاه رئالیست‌های تهاجمی، قدرت نسبی برای دولت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا آنارشی

دولت‌ها را وادار می‌سازد، قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند. نحوه تأثیر نظام بین‌الملل بر دولت‌ها، در نگاه رئالیست‌های تهاجمی مبتنی بر نگاه رئالیست‌های نئوکلاسیک است؛ یعنی بر این باورند که سیستم به‌گونه‌ای غیرمستقیم و پیچیده بر بازیگران تأثیر می‌گذارد. از منظر رئالیست‌های تهاجمی، افزایش دائمی قدرت، یکی از اهداف اصلی واحدهای سیاسی است. برای معتقدان به رئالیسم تهاجمی، ازدیاد دائمی قدرت از اولویت برخوردارند تا کشورها در پرتو آن به امنیت حداکثری دست یابند (حسینی، ۱۳۹۶: ۲). با توجه به جاه‌طلبی هژمونی، افغانستان در چندین دهه اخیر، با نظمی برون‌ساخته مترتب بر دخالت قدرت‌های بزرگ مدیریت شده است. عدم انطباق این نظم با واقعیت‌های منطقه، یکی از عوامل مهم بی‌ثباتی و مانعی مهم برای برقراری نظم پایدار درون‌زاد بوده است. بنا به شرایط منطقه‌ای فعلی و تهدیدات گسترده نامتوازن و پیش‌بینی نشده پیش روی ج.ا. ایران، اتخاذ رویکرد تهاجمی در سطح عملیاتی و تاکتیکی، به افزایش ضریب امنیت و بقای ج.ا. ایران می‌انجامد. با وجود آن که ج.ا. ایران همواره بر یک راهبرد دفاعی تدافعی - تعاملی مبتنی بر بازدارندگی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأکید می‌کند، اتخاذ رویکرد پیشگیرانه تهاجمی به افزایش امنیت، کاهش تهدیدات و خنثی‌سازی تحولات نامتعارف علیه ج.ا. ایران می‌انجامد. اتخاذ رویکرد تهاجمی، از آن روست که ایران با تهدیدات گوناگون مواجه است و اولویت‌بندی در تهدیدات و نوع پرداخت به آنان باعث شده است تا با جدیت بیشتری به ضرورت‌های امنیتی خود بپردازد. تجربیات اخیر نیروهای نظامی ج.ا. ایران در نبرد علیه تروریست‌ها، امنیت مرزها و تجربیات حاصل از جنگ‌های اخیر، یکی از عوامل شکل‌گیری دکترین‌های جدید تاکتیکی مبتنی بر تهاجم است (عسگرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۹۰). بنابراین به نظر می‌رسد؛ اتخاذ رویکرد تهاجمی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، متأثر از عواملی همچون حوادث احتمالی مختلف کوچک و بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی است که به صورت تدریجی و غیرمحسوس شکل می‌گیرد و بر شکل‌گیری محیط امنیتی پیرامونی و منطقه‌ای اثرگذار است. در این جهت، جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم موقعیت خود، در عین حال که آرمان‌های انقلابی را دنبال می‌کند، رویکرد واقع‌بینانه‌ای در خصوص طالبان اتخاذ می‌کند تا بنا به شرایط منطقه‌ای، به افزایش ضریب امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران بیانجامد.

#### ۴- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی و فرعی در این پژوهش، از روش تحلیلی، تاریخی و توصیفی استفاده شده است. در روش تحلیلی - توصیفی که محقق علاوه بر آشکارسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین عوامل چرایی و چگونگی موضوع مسأله و اشکال آن می‌پردازد. روش و ابزار تحلیل داده‌ها، بر اساس ماهیت موضوعی آن تعیین و بررسی

می‌شود و پس از مطالعه در خصوص پژوهش، منابع اصلی و مقالات تحقیق را شناسایی و با روش فیش‌برداری، فیش‌هایی تهیه کرده و سپس بر اساس محتویات قانونی آن دسته‌بندی می‌کند و پس از استنباط و استنتاج منابع در چهارچوب موضوع، به توصیف و تحلیل به شکل ساده و واضح می‌پردازد.

## ۵- جایگاه و اهمیت افغانستان در سیاست خارجی ایران

افغانستان، یک سرزمین کوهستانی و بن‌بست در غرب آسیا بدون نفت و مواد خام استراتژیک است که فقط به دلیل ویژگی ژئوپلیتیکی‌اش به‌عنوان دروازه هندوستان و حایل بین روسیه و اقیانوس هند و همچنین به‌عنوان پل ارتباطی غرب به شرق جهان برای قدرت‌های جهان حائز اهمیت است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۵۵). مجاورت افغانستان با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای؛ چون روسیه و چین و نیز قرار گرفتن سر راه جاده ابریشم و اکنون جاده انرژی و برجسته شدن نقطه ثقل سیاست‌هایی جهانی و منطقه‌ای در جنوب آسیا، آسیای مرکزی و خاورمیانه و مهم‌تر از همه، فقدان دولت مقتدر به‌همراه فروپاشی حاکمیت سرزمینی، افغانستان را به یک کشور حایل<sup>۱</sup> تبدیل کرده است (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۴۳). افغانستان در دو قرن گذشته، حایلی میان امپراتوری‌های شرق و غرب بوده است. جدایی این منطقه از ایران و پیدایش کشوری به نام افغانستان، به همین منظور بوده تا دیوار مستحکمی بین مرزهای استعماری شرق و غرب وجود داشته باشد. در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، حایلی میان متصرفات انگلیس و روسیه بود. در این مدت، افغانستان بین مستملکات آن دو قدرت فاصله می‌انداخت و مانع برخورد و یا رویارویی آن‌ها می‌شد؛ حتی در منطقه شمال غربی افغانستان نیز تنگه واخان را ضمیمه خاک افغانستان نگاه داشتند تا بین هندوستان که تحت استعمار انگلیس بود با آسیای مرکزی که در تصرف روسیه قرار می‌گرفت، فاصله و جدایی بیندازد. در نیمه دوم قرن بیستم نیز حایلی میان آمریکا و شوروی بود. زمانی هم که این بی‌طرفی از سوی اتحاد جماهیر شوروی نقض شد، مشاجرات و درگیری‌های سختی آغاز گردید. درگیری‌ها، هم دلایل داخلی داشت و هم دلایل خارجی. با فروپاشی شوروی سابق و ایجاد کشورهای مستقل در آسیای مرکزی، منازعات در رقابت‌هایی که پیش از این، بین غرب و شرق وجود داشت، از بین رفته است و افغانستان نیز اهمیت استراتژیکی را که در گذشته برای شرق و غرب داشت، از دست داد؛ ولی با بروز حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، افغانستان را به مرحله جدیدی از کسب موقعیت استراتژیکی وارد کرده است. چنانچه کشورهای آسیای مرکزی خواهند برای ارتباط با کشورهای جهان، از طریق آب‌های گرم جنوب اقدام کنند، یکی از این راه‌های عبور، افغانستان است. همچنین افغانستان، یکی از راه‌های انتقال انرژی از شمال به جنوب است که بر اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک آن می‌افزاید (قمری، ۱۳۸۸: ۸۶). در بررسی پیشینه روابط ایران

با افغانستان، بایستی در گام اول به موضوع حمله نیروهای شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ اشاره کرد. نزدیک به یک سال پیش از حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، در همسایگی غربی این کشور، انقلاب اسلامی ایران رخ داده بود و از سویی انقلابیون ایران، به فکر (صدور انقلاب) و صدور ایدئولوژی اسلام سیاسی‌شان بودند. این عامل باعث شد تا اتحاد جماهیر شوروی، برای جلوگیری از نفوذ ایران، به افغانستان حمله کرده و نفوذ خود بر این کشور را تحکیم بخشد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

یکی از محورها و موضوعات مهم و مؤثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تحولات افغانستان بوده است. در طول سال‌های گذشته، این مسئله، با وجود فراز و فرود، همواره جایگاه ثابت خود را در سیاست خارجی ایران حفظ کرده است. علل و عوامل متعددی؛ چون نزدیکی جغرافیایی و همسایگی، اشتراکات تاریخی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشته است تا با دقت و حساسیت، تحولات افغانستان را پی‌گیری کند؛ به‌گونه‌ای که در مواقع و مواردی، افغانستان به‌صورت مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران و در کانون آن قرار گرفته است. کودتای نظامی کمونیست‌ها در اردیبهشت ۱۳۵۷ (۱۹۷۸م) و تشکیل حکومت دست‌نشانده کمونیستی در افغانستان، باعث زنجیره‌ای از بحران‌ها در این کشور شد (علی‌آبادی، ۱۳۵۷: ۲۱۵). سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان دچار تحول شده است. امام راحل، به‌عنوان حامی مظلومان جهان، با هشدار به شوروی سابق، آنان را از نتیجه اقدام خطرناکشان؛ یعنی حمله به افغانستان بر حذر می‌داشت. به اعتقاد امام، سرانجام این تجاوز، شکست بود. امام با دید الهی خود، در همان زمان به‌طور تلویحی نسبت به تجاوز به افغانستان نیز هشدار دادند که: «امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذتاب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم‌کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل نمود و به این کشور اسلامی حمله کرد» (صحیفه امام، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ۳۱۷).

سرانجام مقاومت نیروهای مجاهدین و مردم مسلمان افغانستان، پیش‌بینی امام را به اثبات رساند و ارتش سرخ شوروی سابق، به‌ناچار در ۲۶ بهمن سال ۱۳۶۷ خورشیدی، نیروهای خود را از افغانستان خارج کرد. امام خمینی (ره) که همواره از حامیان اصلی مردم افغانستان در برابر تجاوز ارتش سرخ شوروی به افغانستان بود و شکست ارتش سرخ شوروی را پیش از تجاوز نیروهای شوروی به خاک افغانستان پیش‌بینی کرده بود، در خصوص ملاقات خود با سفیر شوروی این‌گونه فرمود: «آن روزی که سفیر شوروی آمد نزد من؛ گفت که دولت افغانستان خواسته است که شوروی نظامی به آنجا بفرستد، به او گفتم که این اشتباهی است که شوروی می‌کند؛ البته دولت



شوروی می‌تواند افغانستان را قبضه کند، ولی نمی‌تواند در آنجا مستقر شود. اگر شما خیال کرده‌اید، بتوانید افغانستان را بگیری و آن را آرام کنید، این خیالی باطل است. شما هم اگر بروید و هر قدرت دیگری هم برود، آن جا را می‌گیرد؛ اما نمی‌تواند آن را آرام کند و بالاخره شکست می‌خورد.» (صحیفه امام، ۱۳۵۹، ج ۱۲، ۲۱۵).

اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سختی مواجه ساخت. از سویی، بر پایه یکی از اصول و اهداف انقلاب اسلامی، حمایت از مجاهدین افغانی به‌عنوان یکی از مصادیق جنبش‌های آزادی‌بخش در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۸). سیاست خارجی ایران در این سال‌ها که از حال انزوای نسبی بیرون آمده بود، یک سلسله اقدامات مقطعی دیپلماتیک بود که از تأسیس حزب وحدت آغاز شد و به گسترش روابط با تاجیک‌ها، ازبک‌ها و شیعیان اسماعیلی که ادامه آن به ظهور ائتلاف شمال رسید و در نهایت سقوط رژیم دست‌نشانده مارکسیستی و تصرف کابل به دست مجاهدین انجامید (خاتمی خسروشاهی، ۱۳۸۳: ۹۸۷). در واقع سیاست خارجی ایران در افغانستان، با پیروزی نهضت مقاومت افغانستان در سال ۱۳۷۰، یک موفقیت برای کلیه بازیگران ضدکمونیست؛ از جمله ایران بود. حکومت چهار ماهه برهان‌الدین ربانی که البته تا سال ۱۳۸۱ ادامه یافت و برای دومین بار در طول تاریخ سیاست و حکومت در افغانستان، به قدرت رسیدن فارس‌زبانان محسوب می‌شود، یک موفقیت دیگر بود؛ اما ناتوانی در حفظ این موفقیت، یک ناکامی به حساب می‌آید. قدرت‌گیری طالبان هم از آن رو که در شناسایی و پیش‌بینی ظهور آن‌ها ناتوان بود هم به این دلیل که این گروه موفق شد، بر ۹۰ درصد از خاک افغانستان حاکم گردد (شفیعی، ۱۳۸۴: ۱۲).

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) و به دنبال آن، حمله آمریکا به افغانستان و سقوط طالبان در دسامبر ۲۰۰۱، نقطه عطف دیگری را در سیاست خارجی ایران نسبت به افغانستان رقم زد. تحولات و جنگ افغانستان، اگرچه «بحران سیاست خارجی» برای جمهوری اسلامی ایران به شمار نمی‌رفت؛ ولی منطقه و جهان را در وضعیت بحرانی قرار داد. در نتیجه از آنجا که این تغییر و تحولات ژرف در محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست، انتظار می‌رفت که ایران سیاست خارجی کنش‌مند و فعالی را اتخاذ کند؛ به‌گونه‌ای که جهت تأمین منافع ملی خود، فعالانه وارد عمل شود؛ زیرا پس از سال‌ها، دوباره فرصتی برای ایران پیش آمده بود تا بتواند نقش مؤثر و سازنده‌ای در افغانستان ایفا کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۰). به دلیل قرابت منطقه‌ای و تأثیر این کشور بر سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره روند تحولات امنیتی و سیاسی در افغانستان و حول آن از سال ۲۰۱۶ به این سو، به‌گونه‌ای جدی و عمیق برای ایران نگران‌کننده شده است. نگاهی به روابط جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نشان می‌دهد که این دو کشور، به دلیل همسایگی از یکدیگر متأثر

هستند؛ به‌گونه‌ای که جنگ داخلی در افغانستان، منجر به بی‌ثباتی در مرزهای ایران و هجوم مهاجران افغان به ایران گردیده است. با توجه به این که عوامل متعددی در تدوین سیاست‌های امنیتی وجود دارد که مانع توسعه سایر روابط و بروز چالش‌ها در روابط ایران و افغانستان شده است، از منظر جمهوری اسلامی ایران، تحرکات نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از حضور طالبان و القاعده در افغانستان، همراه با قاچاق مواد مخدر به‌ویژه در دوران پسادوره طالبان، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ مجموعه‌ای از منابع تهدید کننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این موضوع در تدوین روابط سیاسی - امنیتی ایران با افغانستان به‌وجود آمده است (شیخ غفوری و دهشیار، ۲۰۲۱: ۲۵). در مجموع، مسئله حاکمیت با ثبات و مردمی در افغانستان، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی دارد. جریان سیاسی که بیشتر مورد اقبال مردم این کشور باشد و بتواند حاکمیت را به اثبات برساند تا صلح و آرامش سیاسی - امنیتی و توسعه اقتصادی را در این کشور حاکم کند، مورد حمایت ویژه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود (صدرالحسینی، ۱۴۰۰: ۱).

## ۶- نگاه ایران به تحولات افغانستان

تحولات در افغانستان، با سيطرة نفوذ طالبان بر افغانستان و تشکیل دولت توسط این گروه به موضوعی نگران کننده برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. از این رو، ایران سیاست‌هایی در قبال سيطرة طالبان بر افغانستان و تشکیل دولت توسط این گروه اتخاذ کردند. با توجه به این که سیستم سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، به علت ساختار ایدئولوژیک آن، همواره بحران و تنش‌زا بوده است و باعث گردید تا جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با همسایه‌های شرقی‌اش دچار برخی تناقض‌ها شود (فهری، ۱۴۰۰: ۱). رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در خصوص افغانستان فرمودند: «جمهوری اسلامی، در همه احوال طرفدار ملت مظلوم و مسلمان افغانستان است و روابط ما با دولت‌ها، به روابط و رفتار آن‌ها با ایران بستگی دارد. ایشان افغانستان را کشور برادر، هم‌زبان، هم‌دین و هم‌فرهنگ ایران خواندند و با اشاره به خروج فضاحت‌بار آمریکایی‌ها و انتقال همکاران افغانستانی آنها به مناطق دارای وضعیتی بدتر از افغانستان، در خصوص موضع جمهوری اسلامی ایران، تأکید کردند: ما طرفدار ملت افغانستان هستیم؛ چرا که دولت‌ها همچون گذشته می‌آیند و می‌روند، اما ملت افغانستان است که باقی می‌ماند و نوع رابطه ایران با دولت‌ها نیز بستگی به نوع رابطه آن‌ها با ایران دارد» (بیانیه رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۰). گذر تحولات و گسترش ناامنی حاصل از دخالت نظام سلطه در این کشور باعث شد تا ملت افغانستان برای رسیدن به دو مفهوم امنیت و رفاه، همواره به دنبال ناجی و منجی گمشده‌ای باشند تا خود را به آن متصل نمایند. طالبان به‌عنوان جنبشی که از قبل در بین مردم خاستگاه قومی و قبیله‌ای داشت و در طول سال‌ها، کم و بیش با اشغال‌گران موضع داشته و با

آن‌ها جنگیده بود، در بستر مناسبی توانست قدرت را به دست بگیرد. عملکرد طالبان در طول چند ماه اول قدرت‌یابی و حمله به پنجشیر، نشان از آن دارد که طالبان به درک مناسبی از صبر استراتژیک نرسیده و با همان رویکرد گذشته بر مدار قومیت و مذهب حرکت می‌کند. از این جهت، موقعیت اجتماعی متزلزلی داشته و به نظر می‌رسد، با ورود به دوران بی‌ثباتی گسترده ناشی از جنگ‌های داخلی، امنیت چندانی در افغانستان نخواهد داشت و این بی‌ثباتی، دامن‌گیر ایران هم خواهد شد که بیشترین آن سیل مهاجرت و تشدید آسیب‌های اجتماعی در ایران، به‌خصوص در شهرهای سنی‌نشین در شرق کشور و دیگری تقویت اندیشه سلفی‌گری در داخل با مظلوم‌نمایی گروه طالبان خواهد بود (ساوه درودی، ۱۴۰۰: ۱۵۴). از این رو، ایران تحولات جاری در افغانستان را به دقت زیر نظر دارد و تلاش می‌کند، در تعقیب تحولات وسواس به خرج دهد تا از روند سریع آن عقب نماند. برای مقامات ایران، روشن است که ماهیت طالبان چیست؟ از آنجا که ماهیت طالبان با طالبان دهه نود تفاوتی ندارد، اما گذشت دست‌کم دو دهه، تجربیات تازه را به آن داده است که سبب می‌شود، رفتارهای خود را تغییر دهد. برای همین ایران انتظار دارد که طالبان فجایع دهه نود را تکرار نکند و رفتارهای سوء آن موقع را بار دیگر مرتکب نشود؛ اما این بدان معنا نیست که طالبان را می‌توان تطهیر کرد و حتی ماهیت آن را متفاوت از گذشته دانست. ایران، تحرکات طالبان را با بیم و امید دنبال می‌کند (موسوی خلخالی، ۱۴۰۰: ۴). بازگشت حاکمیت طالبان بر افغانستان، پیامدهای مهمی برای منطقه و سیاست بین‌المللی به‌طور گسترده‌تر خواهد داشت. برای جمهوری اسلامی ایران، شکست واشنگتن در افغانستان، چیزی بیش از پیروزی طالبان است. این امر به عنوان تأییدی بر این موضوع مطرح شده است که سیاست ایالات متحده در جهان اسلام، محکوم به شکست است. ایران در پیام‌های خود سعی کرده، این ایده را برای شرکا و متحدان خود تقویت کند که در تقابل با واشنگتن که عزم استراتژیک ندارد، تنها بازیگر قابل اعتماد در خاورمیانه است. با این حال، این دستاوردهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک فوری می‌تواند تحت‌الشعاع چالش‌های بالقوه‌ای قرار گیرد که افغانستان تحت حاکمیت طالبان، ممکن است خطراتی را برای امنیت و منافع اقتصادی و موقعیت منطقه‌ای ایران در درازمدت ایجاد کند (Azizi & Nejd, 2022: 1).

## ۶-۱. پیامدهای امنیتی

حکومت طالبان در کابل، به هر طریقی پیامدهای مهمی برای همه همسایگان افغانستان خواهد داشت. با این حال، جمهوری اسلامی ایران، بیشتر از دیگر همسایگان تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته است. از اینرو، اولین پیامدی که می‌تواند برای ایران داشته باشد، دلیل امنیتی است؛ با توجه به این که طالبان و ایران، هر دو داعش را دشمن خود می‌دانند. ایران می‌تواند از طریق طالبان، به دفع خطر و تهدید بزرگ‌تری به نام داعش در مرزهای شرقی خود دست بزند؛ لذا اتحاد نیروها برای دفع یک دشمن مشترک، نیازمند یک گفتگو و مذاکره جدی میان ایران و طالبان

است که می‌تواند در بستر این مذاکرات، شرایطی را برای دفع تهدید بزرگتری چون داعش شکل بگیرد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۷) و احتمال این وجود دارد که هر دو برای مقابله با دشمن مشترک، همکاری بیشتری داشته باشند. در وهله دوم؛ رویکرد طالبان به شیعیان محلی، تأثیر بسزایی در روابط تهران و کابل خواهد داشت.

از آنجا که طالبان در طول سلطنت خود در دهه ۱۹۹۰، به ایدئولوژی قوی ضد شیعی خود که در آزار و اذیت، شکنجه و کشتار اقلیت شیعه هزاره منعکس شده بود، شهرت داشتند موجب گردیده، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر، به‌طور علنی، هنوز هم طالبان اصلاح شده را حفظ کند که به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی احترام بگذارد. با این ملاحظه، طالبان تلاش کرده‌اند با اجازه دادن به شیعیان برای برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در افغانستان، به آن‌ها اطمینان دهند. با این حال، مشخص نیست که آیا طالبان پس از تحکیم حکومت خود به این کار ادامه خواهند داد یا خیر؟ بسیار مهم است؛ حتی اگر رهبران طالبان، مایل به دنبال کردن یک سیاست عمل‌گرایانه<sup>۱</sup> در این زمینه باشند، هیچ تضمینی وجود ندارد که عناصر رادیکال این گروه یا حتی افراد عادی اطاعت کنند. اگر شیعیان افغانستان کشته شوند، این ممکن است به تنش‌های دوجانبه یا حتی درگیری منجر شود. چنین سناریویی، ایران را بین صخره و سختی قرار می‌دهد. اگر تصمیم به مداخله نظامی در افغانستان بگیرد، ممکن است در همان باتلاقی گرفتار شود که پیش از آن، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی را فراگرفته بود. با این حال، بیکار نشستن در حالی که طالبان، شیعیان افغانستان را سرکوب می‌کنند، اعتبار ایران را به‌عنوان محافظ فرقه شیعه تضعیف می‌کند (Fathollah & Azizi, 2021: 1-5). از سوی دیگر، با روی کار آمدن طالبان، این تهدید برای ایران وجود دارد؛ با توجه به این که طالبان تحت حمایت عربستان (به لحاظ مذهبی و مالی) و پاکستان (به لحاظ اطلاعاتی و سیاسی) و رژیم صهیونیستی (به لحاظ اطلاعاتی و امنیتی) قرار دارد، می‌تواند گروه‌های سلفی را در داخل ایران تهییج و با قرار گرفتن در کنار رقبای سنتی ایران، جایگاه منطقه‌ای ایران را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف نماید (ساوه درودی، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

## ۶-۲. منافع اقتصادی

منافع اقتصادی، از دیگر زمینه‌های همکاری بین ایران و طالبان است. ایران، بزرگترین صادرکننده به افغانستان به حساب می‌آید و به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، نیازمند گسترش بازارهای منطقه‌ای است. این دو کشور، از نظر اقتصادی بیشتر از آن چیزی که به‌طور گسترده مورد استقبال قرار می‌گیرد، به هم مرتبط هستند. تحکیم این روابط، به‌طور عمده بدون برنامه‌ریزی صورت

### 1. Pragmatic politics

گرفته است که ناشی از جست‌وجوی ایران برای فرصت‌های اقتصادی در منطقه خود است؛ زیرا تحریم‌های ایالات متحده، ارتباط آن را با اقتصاد جهانی قطع کرده است؛ به‌ویژه نقشی که افغانستان در بازارهای ارز ایران ایفا می‌کند و وضعیت افغانستان به‌عنوان مقصد اصلی صادرات غیرنفتی ایران، نشان می‌دهد که ایران قرار است، برای موفقیت طالبان، بهای اقتصادی بپردازد. اولین مسئله مهمی که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه با آن مواجه است، این است که اقدامات بین‌المللی اخیر، برای محدود کردن دسترسی طالبان به ارز رایج بر نرخ ارز در ایران تأثیر خواهد گذاشت. ثانیاً، پایان تحویل دلار نیز باعث ایجاد یک فضای تورمی در افغانستان خواهد شد. از سوی دیگر، با افزایش قیمت‌ها؛ از جمله کالاهای ایرانی، مشاغل و خانوارهای افغان باید تقاضا را کاهش دهند. در سال‌های اخیر، افغانستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مقاصد صادرات غیرنفتی ایران، با صادرات در مجموع حدود ۲ میلیارد دلار در سال مطرح شده است. مشکلات اقتصادی ایران که ارزش ریال را به میزان قابل توجهی کاهش داد، کالاهای ایرانی را برای خریداران افغان مقرون به‌صرفه کرده و صادرکنندگان ایرانی، به‌طور فزاینده‌ای، توانستند افغانستان را با جمعیت ۳۸ میلیونی، به‌عنوان بازار اولویت هدف قرار دهند؛ اما در حال حاضر، ناآرامی در افغانستان، بر تجارت تأثیر گذاشته است که با کاهش تقاضا در میان مصرف‌کنندگان افغان تشدید خواهد شد. سوم؛ به نظر می‌رسد که روابط اقتصادی ایران و افغانستان، با خشک شدن کمک‌های بین‌المللی بیشتر آسیب ببینند و بر رفاه اقتصادی مردم عادی افغان تأثیر بگذارد (Batmanghelidj, 2021:1). از این رو، طالبان هم برای تثبیت قدرت و جلوگیری از هرج و مرج ناشی از فروپاشی اقتصادی، به همکاری دیگر کشورها وابسته است. اگرچه تعامل با افغانستان دست‌کم در کوتاه‌مدت، درآمد اقتصادی در خور توجه برای ایران ندارد؛ اما آشکار است، یکی از نقاط تنش‌زا، استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی این کشور است. حاکمیت طالبان و نزدیکی مرزی، مذهبی و فرهنگی این استان با افغانستان، تهدیدی بالقوه علیه حکمرانی ایران به‌شمار می‌آید. همچنین نقاط شرقی خراسان و استان‌های هم‌جوار افغانستان، چنین وضعیتی را می‌توانند داشته باشند. تغییر رویکرد نظام جمهوری اسلامی هم از دید امنیت داخلی و هم سیاست خارجی می‌تواند اثرات مثبتی پیش روی ایران داشته باشد (احمدپور، ۱۴۰۲:۱).

## ۶-۳. موقعیت منطقه‌ای

افغانستان، همواره میدان رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را فراهم کرده است. با توجه به وضعیت امنیتی کنونی و از آنجایی که جنگ داخلی در حال نزدیک شدن است و احتمالاً طالبان، کنترل دولت را در دست گرفته‌اند، انتظار می‌رود که کشورهای منطقه، به‌دنبال افزایش مداخلات خود در کشور باشند. در نتیجه به احتمال زیاد، رقابت بین این بازیگران در آینده تشدید خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران، افغانستان را حیاط خلوت خود می‌داند که باید برای جلوگیری از هرگونه تهدید علیه ایران، به‌طور دائم تحت نظر باشد. علاوه بر این، جمهوری اسلامی

ایران، به اقلیت شیعه و همچنین سایر اقوام و قبایل فارس‌الاصل به‌عنوان اتباع ایرانی می‌نگرد که باید از آن‌ها محافظت و برای حمایت از پروژه‌های سیاسی منطقه‌ای خود استفاده کرد. عربستان سعودی، در صدر رقبای ناخواسته ایران در افغانستان دیده می‌شود. برخی از مقامات در محافل سیاسی ایران، حتی ماهیت رابطه بین طالبان و ریاض را اغراق‌آمیز بیان می‌کنند و استدلال می‌کنند که یک رابطه ارگانیک بین جنبش و دستگاه سیاسی و امنیتی پادشاهی وجود دارد. گاهی طالبان را ابزاری توصیف می‌کنند که عربستان سعودی در بازی رقابت‌های منطقه‌ای در این کشور از آن استفاده می‌کند. با این حال، با توجه به رابطه‌ای که در حال حاضر بین قطر و طالبان وجود دارد، این استدلال ضعیف و حتی نامعتبر به نظر می‌رسد. توانایی عربستان سعودی برای به‌دست آوردن درجه نفوذ مورد نیاز در افغانستان، همچنان مشکوک است؛ مگر این که بتواند با دیگر بازیگران منطقه‌ای که روابط بسیار نزدیک با جنبش حفظ می‌کنند، هماهنگ شود. ترکیه، پس از خروج نیروهای آمریکایی، زمانی که آنکارا تلاش کرد در آنجا حضور نظامی داشته و فرودگاه کابل را کنترل کند، تمایل خود را برای حضور در رقابت‌های منطقه‌ای در افغانستان نشان داده است. تحولات کلی منطقه نشان می‌دهد که ترکیه معمولاً به‌دنبال حضور در کشورهای اطراف ایران است. ترکیه، در حال رقابت با ایران در سوریه و عراق، مداخله در قلمرو مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی، حضور نزدیک به مرزهای شمال غربی ایران و ایجاد حضور نظامی در منطقه خلیج فارس در قطر بوده است. بر اساس برآوردهای برخی اندیشکده‌های ایرانی، آنکارا اکنون در تلاش است تا با تقویت حضور خود در افغانستان، محاصره ایران را کامل کند (EPC, 2021). اگر ریاض نتواند روابط با طالبان را به سطح ۲۰ سال پیش بازگرداند، تهران احتمالاً پیشرفت بیشتری خواهد داشت. کارولین رز، تحلیل‌گر ارشد مؤسسه نیولاینز در واشنگتن، به المانیتور گفت: «عربستان سعودی، افغانستان را به‌عنوان یک چشم‌انداز حیاتی در همسایگی پیرامونی خود برای جلوگیری از نفوذ ایران در این کشور درک می‌کند. در میان نیروهای نیابتی و طالبان همچنین، ترکیه به‌دنبال گسترش نفوذ خود از طریق همکاری با قطر، در راه‌اندازی فرودگاه کابل است؛ اما ممکن است، تمایلی به حضور در مأموریت فرودگاه نداشته باشد؛ مگر این که واحدهای آن در مدیریت امنیت مشارکت داشته باشند (Siddiqui, 2021:1). با این ملاحظه، رقبای سنی ایران؛ از جمله ترکیه و عربستان سعودی، با مقامات جدید در کابل ارتباط مستقیم دارند و این موضوع می‌تواند عاملی برای تضعیف موقعیت ایران در منطقه شود.

## ۷- راهبرد ایران در قبال طالبان افغانستان

موقعیت افغانستان همواره عنصر مهمی در تصمیم‌گیری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از این‌رو، با توجه به موقعیت افغانستان و قرار گرفتن این کشور در موقعیت ریمیلند جهانی، همواره موجب شده است تا ایران، راهبردی در سیاست‌های خود در قبال افغانستان ترسیم کنند

تا در جهت بازسازی افغانستان کمک شایانی کرده باشند. با توجه به این که از بین همسایگان منطقه شمال شرق ایران، کشور افغانستان به دلیل سال‌های متمادی جنگ و خرابی‌های ناشی از آن، نقش فعالی در معادلات قدرت در منطقه ندارد. روابط افغانستان و جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ، با افت و خیزهای زیادی همراه بوده و بسته به شرایط، افزایش و یا کاهش پیدا نموده است. عواملی نظیر حضور پایگاه‌های آمریکا در منطقه و افزایش نیروهای آن در افغانستان، کمک این کشور به گروهک‌های تروریستی تکفیری و همچنین افزایش تعداد و نیروهای این گروهک‌ها، از تهدیدات اصلی برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، رادیکالیسم دینی و افراط‌گرایی اسلامی که کانون آن افغانستان است، همواره برای ایران چالش آفرین بوده است. عامل دیگری که با توجه به حضور افغانستان در همسایگی ایران، تهدیدی عمده برای جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آید، قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران است. جمهوری اسلامی ایران، همواره خواستار افغانستانی مستقل و دولتی متشکل از همه گروه‌ها، حفظ و امنیت در سرحدات مرزی خود با این کشور، برقراری حقوق شیعیان، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مقابله با سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا و جلوگیری از توسعه بحران در منطقه بوده است و در راستای این اهداف، در همه زمان‌ها بر مشارکت کلیه گروه‌ها و نژادها در دولت افغانستان تأکید داشته و این امر را به‌عنوان تنها راه بازگشت صلح و امنیت در آن کشور دانسته است (جهان‌شاهی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۷-۹۶).

از این رو، با نگاهی به گذشته، جمهوری اسلامی ایران از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان استقبال کرده و آن را پیروزی مقاومت و پروژۀ ایران برای حذف حضور نظامی آمریکا از نزدیک ایران دانسته است. تصمیم واشنگتن در بحبوحه تشدید اختلافات بین ایران و دولت اسبق رئیس جمهور اشرف غنی در کابل صورت گرفته است. با توجه به این که این اختلافات ایران را وادار کرده، که به طالبان به عنوان ابزاری برای فشار بر حکومت غنی نزدیک شود. علاوه بر این، ایران چندین دور گفت‌وگو با رهبران طالبان و میزبانی مذاکرات بین بازیگران مختلف در افغانستان داشته است که می‌تواند به‌عنوان یک تحول مهم در روابط دوجانبه تلقی شود (EPC, 2021). اگرچه طالبان هنوز ایران را متقاعد نکرده است که دولت جدید کابل را به‌عنوان «مشروع»<sup>۱</sup> به رسمیت بشناسد؛ با این وجود، ایران و طالبان مصمم هستند که به همکاری با یکدیگر به روش‌های بسیار عمل‌گرایانه ادامه دهند (Afiero, 2022: 1-2). حقیقت آن است که طالبان، از قدرت فزاینده و فرادست در برابر ایران برخوردار نشده است. این کشور، در برابر طالبان و بسیاری از کشورهای منطقه، از نظر امنیتی و نظامی هنوز دست بالا را دارد؛ اما به نظر می‌رسد، در پس پرده، رویدادهایی رخ داده یا در حال وقوع است که چنین چرخشی را در دیدگاه حاکم، مؤثر بر ایران نمایان کرده است (احمدپور، ۲۰۲۱: ۲).

1. legitimate

با این ملاحظه، نگاه جمهوری اسلامی ایران به افغانستان، ماهیتی امنیتی و آماج‌های راهبردی داشته و حضور آمریکا در آن کشور که با امضای پیمان راهبردی بیشتر از گذشته رسمیت یافته، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده و رویکرد ایران را نسبت به افغانستان بسیار محافظه‌کارانه‌تر از روابط خارجی آن به سمت غرب کرده است. بیشتر این رابطه، به‌دلیل رابطه خصمانه با آمریکا و تا حدی حتی در زمان حمله شوروی سابق به افغانستان، تحت تأثیر قرار گرفته است. برخوردهای لفظی و پنهانی واشنگتن با ایران، گام‌های اولیه آنچه ممکن است «تنظیم مجدد» راهبردی باشد را به وخامت کشاند. طی دو دهه گذشته، ایران از یک راهبرد عمل‌گرایانه سرد نسبت به افغانستان پیروی کرده است. این راهبرد، چندوجهی و اغلب به‌ظاهر متناقض بوده است (Koepke, 2013). راهبرد جمهوری اسلامی ایران، تاکنون جز موارد خاص، همواره از روش واقع‌گرایانه توأم با حزم و دوراندیشی بوده است. به‌عنوان مثال؛ با وجود تضاد سیاسی - ایدئولوژیکی ایران، با حکومت دست‌نشانده شوروی در افغانستان و حمایت همه‌جانبه ایران از مقاومت ضد شوروی و حکومت کمونیستی افغانستان، روابط سیاسی ایران - افغانستان، هیچ‌گاه قطع نشد. در دوره طالبان، با وجود تعارض شدید طالبان و ایران، دولت ایران راه مذاکره و مرادده را با طالبان منتفی ندانست. همچنین، در اوج ضدیت ایران به‌خصوص با آمریکا، ایران با احزاب غرب‌گرای افغانی مستقر در پاکستان رابطه برقرار می‌کرد. سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان طی چهار دهه، تعارضات از خود به نمایش می‌گذارد که منبع و ریشه آن، هم در اصول متعارض قانون اساسی و هم صعود و سقوط جریان‌های همگرا و واگرای تمدن ایرانی از قدرت است (لطفی، ۱۳۹۳: ۶۲). عواملی چون قدرت‌های بزرگ، قومیت، مذهب، ایدئولوژی، آوارگان، مواد مخدر و هیدروپولیتیک مربوط به هیرمند؛ از جمله عوامل تأثیرگذار در میان دو کشورند که مبتنی بر تجربه و تاریخ معاصر، اساساً نقش واگرایانه‌ای در روابط ایران و افغانستان بازی کرده‌اند؛ هرچند برخی از عوامل هم می‌توانند در راستای هم‌گرایی و همکاری‌های گسترده میان دو کشور، نقش مثبتی بازی کنند. در کنار این عوامل، زبان و فرهنگ فارسی، دین اسلام و عامل پایدار جغرافیا و ضرورت‌های ژئوپلیتیک، می‌توانند نقش هم‌گرایانه‌ای در راستای گسترش همکاری‌ها میان ایران و افغانستان بازی کنند (فلاح‌نژاد و امیری، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در این راستا، جمهوری اسلامی ایران، با نگاه راهبردی خود، سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت در راستای سیاست‌های خود اتخاذ نموده است. در نگاه راهبردی میان‌مدت و بلندمدت، چند موضوع اساسی در روابط ایران و افغانستان وجود دارد که باید مد نظر داشت. در ابتدا باید ساختار قدرت در افغانستان مشخص شود. در واقع بخشی از جامعه که غیر پشتون هستند، هنوز نتوانسته‌اند به جایگاه مورد نظر در ساختار قدرت دست پیدا کنند. از طرف دیگر، انحصارطلبی قدرت در میان پشتون‌ها وجود دارد. بر این اساس، هدف راهبردی ایران این است که در افغانستان، ساختاری از قدرت به‌وجود آید که قطع نظر از مسائل قومی و مذهبی، همه



قومیت‌ها و مذاهب بتوانند سهمشان را از قدرت به دست آورند و افغانستان به صلح و ثبات برسد. راهبرد بلندمدت ایران به لحاظ اقتصادی در افغانستان نیز سرمایه‌گذاری در داخل این کشور و ایجاد اشتغال برای شهروندان افغان است تا از میزان مهاجرت آن‌ها به ایران کاسته شود و مهاجران افغان بتوانند به کشور خودشان برگردند. همچنین ایران در پی این است که کشت مواد مخدر و خشخاش در افغانستان را با محصولات خوراکی اقتصادی و استراتژیک جایگزین کند. به عنوان مثال؛ ایران کمک کرده که زعفران با کیفیت در هرات کشت داده شود؛ اما این مقاصد در کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیست و نیاز به زمان و برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت دارد تا شرایط مساعد ایجاد شود و این راهبردها به سرانجام برسند (ملازهی، ۱۳۹۶: ۱). دستاوردهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک فوری می‌تواند تحت‌الشعاع چالش‌های بالقوه‌ای قرار گیرد که افغانستان تحت حاکمیت طالبان، ممکن است برای امنیت و منافع منطقه‌ای ایران در درازمدت ایجاد کند. مقامات ایرانی، با احتیاط و در چهارچوب قوانین اسلامی، از حاکمان جدید افغانستان استقبال کرده و تأکید کردند که ایران، سیاست خود را بر اساس رفتار طالبان استوار خواهد کرد. مقامات ایرانی، خروج ایالات متحده را در واقع تبدیل شدن طالبان به یک گروه شبه‌نظامی نسبتاً کوچک و ایدئولوژیک می‌دانند؛ پیروزی که آن‌ها احساس می‌کنند، سرمایه‌گذاری آن‌ها در «محور مقاومت» و شبکه منطقه‌ای گروه‌های شبه‌نظامی ایران و این را نیز توجیه می‌کنند. احتمالاً این استراتژی منطقه‌ای «واقع‌گرایانه تهاجمی» ایران را جسورتر می‌کند و به دلیل منطقی مجموع، تنش‌ها را تشدید می‌کند (Fathollah & Azizi, 2021: 1-5). در این راستا، دو چالش مهم ایران در تعامل با طالبان طی سال‌های گذشته، موضوع حق آب هیرمند و امنیت مرزها بوده است؛ به این شکل که در موضوع اول، نتوانسته با وجود مذاکرات و تعهدات شکل‌گرفته، آبی از هیرمند دریافت کنند و در موضوع دوم نیز درگیری‌های متعدد مرزی، نگرانی‌های امنیتی را ایجاد کرده است (طاهری، ۱۴۰۱: ۱).

درواقع، اگر طالبان نتوانند ثبات و امنیت را در افغانستان برقرار کنند و گروه‌های افراطی و تروریستی؛ مانند داعش و القاعده را باز دارند، ایران بار دیگر در مرزهای شرقی خود با تهدید جدی مواجه خواهد شد. در این راستا، جریان‌های مختلف در کشور، مواضع متفاوتی نسبت به تحولات افغانستان دارند که با توجه به مسئولیت افراد وابسته به این جریان‌ها در دستگاه‌های حکومتی، این مواضع گاهی در رسانه‌های رسمی و مجازی تنش‌زا می‌شود. گروهی طالبان را تطهیر می‌کنند و می‌گویند، این گروه یک جنبش مردمی و اسلامی است و باید آن را جزیی از محور مقاومت بدانیم؛ چون آمریکایی‌ها را بیرون کرده است. برخی شخصیت‌ها، چنین تحلیلی را به عنوان نظر شخصی و نه به عنوان یک فرد مسئول بیان می‌کنند. در مقابل، جریان دیگری وجود

1. Axis of Resistance
2. Aggressive realists

دارد که نسبت به خطر طالبان هشدار می‌دهد و می‌گوید؛ این گروه، همان طالبان خطرناک در آن پنج سال است و اگر با آن مماشات شود و بر افغانستان تسلط پیدا کند، برای ایران ناامنی ایجاد می‌کند، مرزها را به هم می‌ریزد، تروریسم را گسترش می‌دهد و جمعیتی را مجبور به مهاجرت می‌کند که بخشی از آن‌ها به ایران سرریز می‌شوند و مشکلات امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشور به وجود می‌آورند (بصیری، ۱۴۰۰: ۲). با این ملاحظه، افغانستان امروز با روزهای قبل تفاوتی نکرده و دولتی هم در این کشور شکل نگرفته است و طالبان نیز برای شکل‌گیری دولت جدید سردرگم هستند. با توجه به وقایع رخ داده در کابل، اولین مسأله‌ای که ایران به‌عنوان راهبرد باید مد نظر داشته باشد، با در نظر گرفتن راهبرد صبر، شناخت کافی از وضعیت پیش آمده در افغانستان به دست آورند و نکته دومی که باید به آن پرداخت، این است که ایران باید بر روی مسأله دولت فراگیر تأکید داشته باشد و طالبان بدانند که ایران نسبت به این مسأله حساس است و اگر طالبان وقت صرف می‌کنند تا جامعه جهانی را فریب دهند و در مصاحبه‌های خود وانمود می‌کنند که ما از همه گروه‌ها استفاده می‌کنیم، بدانند که همه جهان نسبت به این مسائل حساس هستند و حتماً باید طالبان، یک دولت فراگیر را تشکیل دهند. تشکیل دولت فراگیر، ثبات سیاسی را تحقق می‌بخشد و افغانستان و جنگی که سال‌هاست ادامه دارد، پایان می‌یابد. اگر دولت فراگیر شکل نگیرد، در افغانستان نوعی از نزاع و انتقام شروع شده و گسترش می‌یابد و این راهبرد می‌تواند در زمینه امنیت ایران هم سودمند باشد. سومین مسأله‌ای که ایران به‌عنوان راهبرد باید مد نظر داشته باشد، ایران با چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی دیگر و همچنین تاجیکستان و ازبکستان هماهنگی داشته باشد؛ ضمن این که با اروپایی‌ها هم هماهنگی‌هایی را به عمل آورده است. اگرچه در داخل دولت جدید، تمایلی وجود ندارد تا گفت‌وگو‌هایی در رابطه با افغانستان با اروپا انجام شود، به هر حال در راستای سیاست کار با شرق، لازم است با چین و روسیه هماهنگی‌هایی را داشته باشند. چهارمین مسأله راهبردی، کمیته‌ای به نام «کمیته راهبردی افغانستان» در دستگاه دیپلماسی تشکیل شود.

در این کمیته، همه مسائل ژئوپلیتیکی، مالی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... افغانستان را تحت نظر بگیرد تا بتواند به این کشور توجه داشته باشد. پنجمین مسأله راهبردی ایران دیپلماسی طالبان را بیرون از مرزهای افغانستان، پاکستانی‌ها پیش ببرند. پاکستانی‌ها، اکنون نقش بازوی دیپلماتیک طالبان را بازی می‌کنند. پاکستانی‌ها، در ارتباطی که با رقبای دارند، کار می‌کنند، هزینه زیادی را انجام می‌دهند، در واقع حال دیپلماسی طالبان، بیرون از مرزهای افغانستان را پاکستانی‌ها به پیش می‌برند و تلاش می‌کنند، طالبان از طریق جامعه جهانی به رسمیت شناخته شود. با توجه به این که سال‌های پیش، این اشتباه را با سعودی‌ها و اماراتی‌ها کردند که آن را یک نوع شکست تلقی می‌کنند، از آن تجربه استفاده کردند و خودشان نمی‌خواهند ابتدا این کار را انجام دهند و جامعه جهانی را به‌عنوان پله اول برای به رسمیت شناختن طالبان در نظر گرفته‌اند. مسأله ششم؛ در

خصوص پیشنهاد ۶ جانبه از سوی ایران در مورد افغانستان است. با برگزاری این نشست و حضور کشورهای همسایه، افغانستان و روسیه و کشورهای اروپایی ایران می‌تواند به بیان عقاید و تأمین منافع خود بپردازد. هفتمین مسأله ایران، پایه کار اقتصادی و تجاری با افغانستان فراهم کند؛ البته این موضوع این‌گونه نیست که پاکستان مرزها را باز کند و مناطقی که ایران از نظر اقتصادی پوشش می‌دهد را تحت کنترل بگیرد. در دوره قبل هم این اتفاق افتاد؛ ولی نه کامل. پاکستانی‌ها، در بازارهای کابل و شمال این کشور نفوذ داشتند و ایران بیشتر در غرب افغانستان فعال بود. ایران باید این ۳ میلیارد دلار روابط تجاری که با افغانستان داشته را برای طالبان به‌عنوان کار اقتصادی تعریف کند. بعد از آن ایران باید کارهای استراتژیک و درازمدت اقتصادی با افغانستان انجام دهد و طالبان رسماً اعلام کند که از هر سرمایه‌گذاری اقتصادی استقبال می‌کنند. دولت ایران باید روی یکسری مناطق غربی و شمالی کشور و حتی حوزه پیرامونی کابل، منطقه شرق و جنوب حوزه نفوذ پاکستان سرمایه‌گذاری کند. سرمایه‌گذاری را باید در بخش‌هایی انجام دهد که برای ایران منفعت دارد. در واقع هم سودش را افغان‌ها ببرند که اشتغال‌زایی شود؛ هم قیمت کالا ارزان‌تر باشد. به‌عنوان مثال؛ یک‌سری از تولیدات اتومبیل‌سازی و قطعه‌سازی را می‌توان با احداث کارخانه در شهرهای افغانستان پی‌گیری کرد. در مجموع، ایران با یک نوع سیاست هم‌گرایی تلاش می‌کند که افغانستان جامع، بانبات و مشارکت گروه‌هایی که برای خود وزنی در داخل افغانستان دارد، شکل بگیرد و از این طریق بتواند ثبات و منافع ملی ایران را تأمین کند (فرجی راد، ۱۴۰۰).

## ۸- نتیجه‌گیری

با خروج ایالات متحده آمریکا از افغانستان، منجر به بی‌ثباتی و خلأ در آن کشور شد. جمهوری اسلامی ایران، یکی از بازیگران منطقه‌ای در افغانستان، آماده است تا پس از خروج ایالات متحده از قدرت، در آنجا نفوذ قابل توجهی کند. با توجه به این که در طول جنگ ایالات متحده در افغانستان، ایران نفوذ گسترده‌ای در همسایه شرقی خود داشته است، این فرصت را برای ایران فراهم آورده تا بتواند با نفوذ خود در افغانستان، روابط خود را با دیگر کشورها تقویت کند و از این طریق بتواند بر منافع ایران در درازمدت اثرگذار باشد. در این راستا ایران دو طرف درگیری را بازی کرد و از دولت سرنگون شده در کابل حمایت نمود و در عین حال، روابط با طالبان را نیز توسعه داد. با تسلط طالبان بر کشور در پی خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو، ایران به‌طور عملی با این گروه شبه‌نظامی، برای حفاظت و پیشبرد استراتژی امنیت ملی خود تعامل خواهد داشت. ایران با وجود چندین دهه دشمنی با طالبان، سه دلیل برای اتخاذ این استراتژی دارد: در وهله اول؛ می‌خواهد مرزهای خود را در برابر بازیگران متخاصم، پناهندگان و قاچاق تضمین کند. در وهله دوم؛ به دنبال خنثی کردن دیگر دولت‌های منطقه‌ای در افغانستان است. در وهله

سوم؛ عمل‌گرایی و عزم برای بهره‌گیری از گام‌های نادرست ایالات متحده است. بنابراین، مسیر ایران را به پیش خواهد برد.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد؛ مواضع ایران، با توجه به رویکرد طالبان متفاوت خواهد بود. اگر طالبان به سمت توزیع قدرت حرکت کند و اقوام دیگر به‌ویژه شیعیان و مردم ترک‌زبان را در ساختار حکومت مشارکت دهد، با توجه به این که ایران از نظر ایدئولوژیک، با شیعیان و هزاره‌های افغانستان اشتراکات زیادی دارد و همه این مسائل، به نفع ایران است، می‌تواند هدف طالبان با آنچه مورد علاقه جمهوری اسلامی ایران است، هماهنگ شود؛ اما اگر رویکرد طالبان بر اساس انحصار قدرت باشد، با توجه به این که ایدئولوژی این گروه، با ایران متفاوت است و به عربستان سعودی نزدیک‌تر هستند، به نظر می‌رسد که روابط ایران و طالبان دوستانه نخواهد بود. با این ملاحظه، ابعاد و مسائل امنیتی به وجود آمده در قبال جمهوری اسلامی ایران، باعث شده است که ایران، با رویکرد تاکتیکی و با هدف مدیریت و دفع تهدید در سیاست خارجی خود با افغانستان بپردازد. در مجموع به نظر می‌رسد؛ جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم موقعیت خود، در عین حال که آرمان‌های انقلابی را دنبال می‌کند، رویکرد واقع‌بینانه‌ایی در خصوص طالبان اتخاذ می‌کند تا بنا به شرایط منطقه‌ای فعلی و تهدیدات گسترده نامتوازن و پیش‌بینی نشده پیش روی جمهوری اسلامی ایران، به افزایش ضریب امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران بیانجامد.

## کتابنامه

- امام خمینی (۱۳۵۸). صحیفه امام، مجموعه آثار، امام خمینی (ره)، بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها، جلد دوازدهم، دی - تیر.
- امام خمینی (۱۳۶۴). صحیفه امام مجموعه آثار، امام خمینی (ره)، بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها، جلد بیستم، اسفند.
- آقاجری، محمدجواد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان، *پژوهشنامه روابط بین الملل*، ۸(۸): ۲۹-۵۱
- احمدپور، احمدرضا (۲۰۲۱). سیاست ایران در قبل طالبان؛ دیپلماسی تهاجمی یا تعامل، خبرگزاری ایران و افغانستان. قابل دسترسی در: [2404124](https://www.aa.com.tr/fa/)
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، *فصلنامه بین المللی روابط خارجی*، ۱(۱): ۱۱۳-۱۵۳
- بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰). ایران رویکردی واقع‌بینانه به طالبان و تحولات افغانستان دارد. مجله سیاست و اقتصاد، قابل دسترسی در: <https://www.isfahan.iqna.ir/fa/news/3994235>

جهان‌شاهی، علی و نبی‌زاده، بابر و پناهی، بابک (۱۳۹۸). راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش عوامل ژئوپلیتیکی در ارتقای امنیت و توسعه پایدار مناطق مرزی شمال شرق کشور، *مجله سیاست نظامی*، ۲۷(۱۰۷): ۸۷-۱۲۴.

حسینی، جاوید (۱۳۹۵). *بررسی اهداف و پیامدهای استراتژی جدید آمریکا در افغانستان*، مؤسسه مطالعات استراتژیک شرق قابل دسترسی در: <https://www.iess.ir/fa/analysis/828>.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی در پرتو تحولات منطقه‌ای (۱۳۷۰-۱۳۸۰)*، تهران: *دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳۸۴.

خاتمی خسروشاهی، ابراهیم (۱۳۸۳). *کتاب آسیا (۳) ویژه افغانستان پس از طالبان*، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

----- (۱۳۹۷). *دیپلماسی ایرانی، همکاری ایران و طالبان برای دفع داعش است*، دیپلماسی ایرانی، کد ۱۹۸۰۸۹۹.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۵). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران افغانستان*، پژوهش حقوق عمومی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۸(۲۰): ۷-۲۲.

ساوه درودی، مصطفی (۱۴۰۰). *ظهور مجدد طالبان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، *فصلنامه دولت‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران*، دوره جدید، ۷(۳): ۱۴۵-۱۷۰.

سازنده، بهاره و عظیمی، ابوالفضل و نظری، علی اکبر (۱۳۸۹). *انتقاد والتز از نظریه موازنه قوا و اثربخشی آن در عصر امروز*، *فصلنامه روابط خارجی*، ۲(۴): ۲۵۱-۲۷۴.

شیخ غفوری، هادی، دهشیار، حسین بابری گنبد، سکینه (۲۰۲۱). *چگونگی کاهش امنیت روابط ایران و افغانستان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹*، *مطالعات بنیادی و کاربردی جهان اسلام*، ۲(۴): ۲۵-۴۹.

شفیعی، نوذر (۱۳۹۷). *بازتولید قدرت در افغانستان: تبیین به قدرت رسیدن طالبان*، مطالعات اوراسیا مرکزی، *مرکز مطالعات ملی بین‌المللی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲(۴): ۱۰۷-۱۱۸.

صدرالحسینی، سیدرضا (۱۴۰۰). *اهمیت «امنیت افغانستان» برای ایران*، *مجله خبری نوریوز*، قابل دسترسی در: <https://nournews.ir/Fa/News/73620>.

طاهری، عبدالمحمد (۱۴۰۱). *طالبان هرگز به تعهدات خود در قبال ایران عمل نخواهد کرد*، *مجله خبری اعتماد*، قابل دسترسی در: <https://www.etemadonline.com/594952/17>.

عسگرخانی، ابومحمد و حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰). *تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا. ایران*، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۹(۴۳): ۷۵-۹۰.

- علی آبادی، علیرضا (۱۳۵۷). افغانستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۴۰۰). راهبرد ایران در رابطه با افغانستان، سایت دنیای معدن، قابل دسترسی در: <https://www.donyayemadan.com,220379>.
- فلاح‌زاد، علی و علی، امیری (۱۳۹۴). روابط ایران و افغانستان؛ همگرایی یا واگرایی، مطالعات سیاسی، ۸(۲۹): ۱۲۵-۱۵۰.
- فهری، سعیده سادات (۱۴۰۰). بازگشت طالبان و امنیت ملی ایران، مجله خبری دنیای اقتصاد، مرداد، قابل دسترسی در: <https://www.khordad.news/fa/news/365696>.
- قمری، علی (۱۳۸۸). بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان در پروژه خاورمیانه بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- لطفی، امین (۱۳۹۷). بررسی روش‌ها و سیاست‌های کنترل مرز، مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران (خراسان رضوی و افغانستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان.
- موسوی خلخالی، سیدعلی (۱۴۰۰). ایران طالبان و تحولات افغانستان، تیر، کد ۲۰۰۳۸۸۷.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۶). سیاست‌های راهبردی ایران در افغانستان، شورای راهبردی روابط خارجی، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa/300/30101/7207>.
- هادیان، حمید (۱۳۸۷). ضعف ساختاری، دولت - ملت‌سازی در افغانستان، فصلنامه راهبرد، ۱۱۸(۵۱): ۱۳۳-۱۵۱.

## References

- Aghajari, Mohammad Javad and Karimi, Morteza (2014). The role of regional actors in the process of Afghanistan's state-building during the Taliban and post-Taliban era, *Research Journal of International Relations*, 8(8): 29-51. (In Persian)
- Asgarkhani, Abu Mohammad and Haq-Shenas, Mohammad Reza (2019). Regional threats and weapon-security strategy c. A. Iran, *Defense Strategy Quarterly*, 9(43): 75-90. (In Persian)
- Aliabadi, Alireza (1978). *Afghanistan*, Tehran: Bureau of Political and International Studies. (In Persian)
- Ahmadpour, Ahmadreza (2021). Iran's policy before the Taliban; Aggressive diplomacy or interaction, *Iran and Afghanistan news agency*. Available at: 2404124 <https://www.aa.com.tr/fa/> (In Persian)
- Barzegar, Kayhan (2008). Iran's foreign policy from the perspective of defensive and offensive realism, *International Quarterly of Foreign Relations*, 1(1):113-153. (In Persian)

- Basiri, Mohammad Ali (2021). Iran has a realistic approach to the Taliban and the developments in Afghanistan. *Journal of politics and economics*, accessible at: <https://isfahan.iqna.ir/fa/news/3994235>. (In Persian)
- Batmanghelidj, Esfandyar (2021). The capture of Kabul: What the Taliban takeover will mean for Iran's economy, @yarbatman on 25 August.
- Bull. Hedley (1977). *Study of Order in World Politics; The Anarchical Society A*; Second Edition (1-321).
- Cafiero, Getty Giorgio (2021). Iranian Quds Force commander Esmail Ghaani speaks during a ceremony on the occasion of the first anniversary of the death of Iran's former Quds Force commander Qasem Soleimani in Tehran, Jan 1.
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal (2006). The foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the Afghanistan crisis, *public law research*, spring and summer 2014, 8(20): 22-7. (In Persian)
- Fathollah, Ali & Azizi, Hamidreza (2021). Iran and the Taliban after the US fiasco in Afghanistan, September 22. (In Persian)
- Farji Rad, Abdul Reza (1400). Iran's strategy in relation to Afghanistan, *World Mining website*, accessible at: <https://www.donyayemadan.com>, 220379. (In Persian)
- Fallah Nejad, Ali and Ali, Amiri (2014). Relations between Iran and Afghanistan; Convergence or divergence, *political studies*, 8(29):125-150. (In Persian)
- Fehri, Saida Sadat (2021). The return of the Taliban and Iran's national security, *World Economy News Magazine*, August, accessible at: <https://www.khordad.news/fa/news/365696>. (In Persian)
- Hosseini, Javid (2015). Examining the goals and consequences of the new American strategy in Afghanistan, *Institute for Strategic Studies of the East*, accessible at: <https://www.iess.ir/fa/analysis/828>. (In Persian)
- Haji Yousefi, Amir Mohammad (2005). *Foreign policy of the Islamic Republic in the light of regional developments (1380-1370)*, Tehran: Office of Political and International Studies, 2005. (In Persian)
- Hadian, Hamid (2008). Structural weakness, state-nation building in Afghanistan, *Strategy Quarterly*, 18(51): 133-151. (In Persian)
- Imam Khomeini (1979). *The Book of the Imam*, a collection of works, Imam Khomeini (RA), statements, messages, interviews, rulings, Shari'a permits and letters, twelfth volume, December - July. (In Persian)
- Imam Khomeini (1985). *The Book of Imam*, a collection of works, Imam Khomeini (RA), statements, messages, interviews, rulings, Shariah permits and letters, volume 20, March. (In Persian)
- (2018). Iranian diplomacy is cooperation between Iran and the Taliban to repel ISIS, *Iranian diplomacy*, code 1980899. (In Persian)
- Khatami Khosrowshahi, Ibrahim (2004). *The Asia book (3) for Afghanistan after the Taliban*, published by the Cultural Institute of Contemporary Abrar Tehran. (In Persian)
- Jahanshahi, Ali & Nabizadeh, Babar and Panahi, Babak (2018). Defense strategies of the Islamic Republic of Iran with an emphasis on the role of geopolitical

- factors in promoting security and sustainable development of the northeastern border regions of the country, *Military Policy Journal*, 27(107):87-124. (In Persian)
- Koepke, Bruce(2013). author of "Iran's Approach to Afghanistan (2013): The Evolution of Strategic Pragmatism", Stockholm International Peace Research Institute, September.
- Lotfi, Amin (2017). Examining border control methods and policies, a case study of Iran's eastern borders (Razavi Khorasan and Afghanistan), master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad, summer. (In Persian)
- Mearsheimer, John (2006). Conversation in International Relations: Interview with John J. Mearsheimer (part1), *International Relations*, Vol 20(1-206).
- Siddiqui, Sabena (2021). Saudi Arabia seeks low key influence in Afghanistan. (In Persian)
- Mousavi Khalkhali, Seyed Ali (2021). Iran, Taliban and the changes in Afghanistan, TIR, code 2003887. (In Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2011). Political geography and geographic politics, Tehran: Somit Publications. (In Persian)
- Molazhi, Pir Mohammad (2016). Strategic policies of Iran in Afghanistan, Strategic Council of Foreign Relations, accessible at: <https://www.scfr.ir/fa/300/30101/7207>. (In Persian)
- Qamuri, Ali (2008). Investigating the geopolitical position of Afghanistan in the Greater Middle East Project, Master's Thesis, Faculty of Geography, University of Tehran. (In Persian)
- Saveh Droodi, Mustafa (2021). The re-emergence of the Taliban and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Islamic Republic of Iran State Studies Quarterly*, New Period, 7(3):145-170(In Persian).
- Sazandah, Bahareh and Azimi, Abulfazl and Nazari, Ali Akbar (2010). Waltz's criticism of the balance of power theory and its effectiveness in today's era, *Foreign Relations Quarterly*, 2(4):251-274. (In Persian)
- Sheikh Ghafouri, Hadi, Deshyar, Hossein Babri Gonbad, Sakineh (2021). How to reduce the security of Iran-Afghanistan relations from 2000 to 2019, *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 2(4): 25-49. (In Persian)
- Shafiei, Nozer (2017). Reproducing power in Afghanistan: explaining the Taliban's rise to power, *Central Eurasian Studies*, Center for International National Studies, Faculty of Law and Political Science, 2(4): 107-118. (In Persian)
- Sadr al-Hosseini, Seyyed Reza (2021). The importance of "Afghanistan's security" for Iran, *Nournews news magazine*, accessible at: <https://nournews.ir/Fa/News/73620>. (In Persian)
- Taheri, Abdul Mohammad (2022). The Taliban will never fulfill their commitments to Iran, *Etemad News Magazine*, available at: <https://www.etemadonline.com/594952/17>. (In Persian)



Valeriano; Brandon; The Tragedy of Offensive Realism: Testing Aggressive Power Politics Models; Article in International Interactions April 2009 DOI: 10.1080/03050620902864493.

[www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

<https://www.scfr.ir/fa/300/30101/7207>